

بررسی اثرات سطح افشای داوطلبانه بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مبتنی بر رویدادهای واقعی

شکراله خواجهی*

دانشیار حسابداری دانشگاه شیراز

وحید علیزاده طلاپه

کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه شیراز

چکیده

در این پژوهش، اثرات سطح افشای داوطلبانه بر انواع مدیریت سود (مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود مبتنی بر رویدادهای واقعی) مورد بررسی قرار گرفته است. برای اندازه‌گیری سطح افشای داوطلبانه چک‌لیست بوتوسان (۱۹۹۷) که توسط کاشانی‌پور و همکاران (۱۳۸۸) تعدیل شده، مورد استفاده قرار گرفته است که شامل ۷۱ شاخص در شش بخش کلی پیشینه اطلاعاتی، خلاصه‌ای از نتایج مهم تاریخی، آماره‌های کلیدی غیرمالی، اطلاعات بخش‌ها، اطلاعات پیش‌بینی و بحث و تحلیل مدیریت است. همچنین، متغیر وابسته، مدیریت سود می‌باشد که برای اندازه‌گیری مدیریت سود مبتنی بر رویدادهای واقعی از روش رویچودهری (۲۰۰۶) و برای اندازه‌گیری مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی از مدل کازنیک (۱۹۹۹) که توسط بهارمقدم و کوهی (۱۳۸۹) با توجه به محیط اقتصادی ایران، تعدیل شده، به‌کار گرفته شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، رگرسیون چند متغیره با استفاده از داده‌های ترکیبی مورد استفاده قرار گرفته است. یافته‌های حاصل از بررسی ۱۲۱ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ بیانگر آن است که بین سطح افشای داوطلبانه با انواع مدیریت سود رابطه منفی معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر در شرکت‌های با سطح افشای داوطلبانه بالاتر، مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود مبتنی بر رویدادهای واقعی کمتر است.

واژگان کلیدی: سطح افشای داوطلبانه، مدیریت سود مبتنی بر رویدادهای واقعی، مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی.

۱ - مقدمه

در محدودترین مفهوم، افشای اطلاعات شامل بحث و تحلیل‌های مدیریت، یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و صورت‌حساب‌های مکمل است (هندریکسن^۱ و ون‌بردا^۲، ۱۹۹۲: ۸۵۴). از دیدگاه گسترده‌تر، افشا به ارائه اطلاعات در صورت‌های مالی و موارد تکمیلی شامل یادداشتها، رویدادهای پس از تاریخ ترازنامه، بحث و تحلیل‌های مدیریت درباره عملیات سال آینده، پیش‌بینی‌های مالی و عملیاتی، خلاصه رویه‌های با اهمیت حسابداری و صورت‌های مالی اضافی اشاره دارد (ولک و همکاران^۳، ۲۰۰۴: ۲۸۸).

افشای داوطلبانه و عوامل تعیین‌کننده آن، به عنوان یک زمینه تحقیقی مهم در گزارشگری مالی از سال ۱۹۷۰ میلادی، تشخیص داده شد. مطالعات پیشین بر روی عوامل تعیین‌کننده افشای داوطلبانه عمدتاً در ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای توسعه یافته انجام شده است (برای مثال: مالون و همکاران^۴، ۱۹۹۳؛ رافورنیر^۵، ۱۹۹۵ و لانگ^۶ و لاندلم^۷، ۱۹۹۶). شرکت‌هایی که به صورت داوطلبانه اطلاعاتی را که به وسیله مراجع قانونگذار اجباری برای ارائه آن اطلاعات وجود ندارد، ارائه می‌کنند، تلاش می‌کنند که به توقعات فعالان بازار شکل دهند و از این رو به واسطه افشای اطلاعات اضافی از شرایط معامله با این افراد منفعت می‌برند (مدهانی^۸، ۲۰۰۹: ۶۵). همچنین، ممکن است شرکت‌ها به منظور محدود کردن برداشت نامطلوب سرمایه‌گذاران و ایجاد آگاهی در مورد چشم اندازهای آتی شرکت، دست به افشای داوطلبانه بزنند (بارث و همکاران^۹، ۲۰۰۷: ۷). ارائه‌ی اطلاعات داوطلبانه در مورد شناسایی، اندازه‌گیری و افشای اقلام حسابداری در صورت‌های مالی باعث جذب سرمایه‌گذاران می‌شود و به طور مؤثری به بهبود وضعیت مالی و چهره مدیریتی شرکت کمک می‌کند (یاتریدیس^{۱۰} و آلکساکیس^{۱۱}، ۲۰۱۲: ۷۴).

از دیگر نتایج افشای داوطلبانه کاهش شرایط عدم اطمینان است که این نیز به نوبه خود، نیاز به نظارت بر فعالیت‌های مدیریت را کاهش می‌دهد و متعاقباً باعث کاهش هزینه‌های تأمین مالی و افزایش ارزش شرکت می‌شود (گیتزمن^{۱۲} و ترومبتا^{۱۳}، ۲۰۰۳: ۱۹۰). افشای داوطلبانه، به طور بالقوه، باعث کاهش دستکاری سود می‌شود و بنابراین قیمت‌های سهام شرکت بازتابی قابل اتکاء از وضعیت مالی شرکت ارائه خواهند کرد (گیگلر^{۱۴}، ۱۹۹۴: ۲۳۵).

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

افشا در حسابداری واژه‌ای فراگیر است و تقریباً تمامی فرآیند گزارشگری مالی را شامل می‌شود. یکی از اصول اولیه حسابداری، اصل افشای کلیه واقعیت‌های با اهمیت و مربوط درباره رویدادها و فعالیت‌های مالی واحدهای تجاری به‌ویژه شرکت‌های سهامی عام است (کاظم نژاد، ۱۳۸۹: ۱۳). اصل مزبور ایجاب می‌کند که صورت‌های مالی به‌گونه‌ای تهیه و ارائه شود که از لحاظ اهداف گزارشگری مالی، قابل فهم، آگاه‌کننده و تا حد امکان کامل باشد. به‌عبارت دیگر، گزارشگری مالی بر ارائه اطلاعات کافی و مفهوم در صورت‌های مالی تأکید دارد و خواستار افشای اطلاعات مربوط در صورت‌های مالی به‌گونه‌ای است که از یک طرف، امکان اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه را برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی فراهم کند و از طرف دیگر، باعث گمراهی آنان نشود (عالی‌ور، ۱۳۶۵: ۱).

میک و همکاران^{۱۵} (۱۹۹۵: ۵۵۵) افشای داوطلبانه را اینگونه تعریف کردند: «افشای مازاد بر الزام اطلاعاتی که نشان‌دهنده‌ی انتخاب‌های آزاد بخش مدیریت در مورد ارائه‌ی اطلاعات حسابداری و سایر اطلاعاتی از شرکت که مربوط به نیازهای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان از گزارشات مالی پنداشته می‌شود، است.» افشای داوطلبانه معمولاً شامل اطلاعات در مورد استراتژی شرکت، مسائل رقابتی، فعالیت‌های تولیدی، استراتژی‌های بازاریابی و مسائل مربوط به سرمایه انسانی است. حتی با افزایش الزامات افشای اجباری، شرکت‌ها باز هم به فراهم کردن اطلاعات داوطلبانه ادامه می‌دهند. به این ترتیب، انگیزه چنین رفتارهایی، توجه زیادی را به سمت خود معطوف ساخته است که در نتیجه باعث جذاب شدن موضوع افشای داوطلبانه شده است. اسکات^{۱۶} (۲۰۰۳: ۱۲۸) یکی از کاربردهای تئوری بازار اوراق بهادار کارا را اهمیت یکسان اطلاعات تکمیلی (موجود در یادداشت‌ها و سایر مکان‌ها) و اطلاعات موجود در متن صورت‌های مالی می‌داند. ولک و همکاران (۲۰۰۴: ۲۸۸) معتقدند که از یک دیدگاه گسترده، افشا به ارائه اطلاعات در صورت‌های مالی و موارد تکمیلی شامل یادداشت‌ها، رویدادهای پس از تاریخ ترازنامه، بحث و تحلیل‌های مدیریت درباره عملیات سال آینده، پیش‌بینی‌های مالی و عملیاتی، خلاصه رویه‌های با اهمیت حسابداری و صورت‌های مالی اضافی اشاره دارد.

با جدایی مالکیت از مدیریت در شرکت‌های بزرگ، این امکان به وجود آمده است که مدیران تصمیماتی اتخاذ نمایند که در جهت منافع خودشان بوده و با منافع سهامداران در تضاد باشد (جنسن^{۱۷} و مک‌لینگ^{۱۸}، ۱۹۷۶). سود به عنوان یکی از مهمترین معیارهای ارزیابی عملکرد و سنجش نحوه ایفای وظیفه مباشرتی مدیریت، تحت تأثیر روش‌های برآوردی حسابداری قرار دارد. از آنجا که مسئولیت تهیه صورت‌های مالی به عهده مدیریت واحد تجاری

است، بنا به دلایل مختلف، امکان مدیریت سود توسط وی وجود دارد. مدیریت سود، همان مدیریت انتظارات و تصورات استفاده کنندگان از صورت‌های مالی است تا از این طریق، مدیران بتوانند به اهداف خاص خود که تقریباً همه آن‌ها به کسب منافع شخصی مدیریت ختم می‌شود، دست یابند. ایجاد انتظارات و تصورات خاص در استفاده‌کنندگان بسته به شرایط می‌تواند با افزایش یا کاهش سود محقق شود. در واقع مدیریت با استفاده از اختیاراتی که در رابطه با انتخاب رویه‌های حسابداری (در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری) (اسکات، ۱۹۹۷؛ واتز و زیمرمن^{۱۹}، ۱۹۹۰؛ دیویدسون و همکاران^{۲۰}، ۱۹۸۷) و دستکاری فعالیت‌های واقعی واحد تجاری یا هر دو (هیلی^{۲۱} و والن^{۲۲}، ۱۹۹۹؛ نورونها و همکاران^{۲۳}، ۲۰۰۸) دارد، دست به این امر می‌زند. هر چند، تعریف ارائه شده توسط نورونها و همکاران (۲۰۰۸)، یا فراتر از این حیطه گذاشته و دامنه دخالت‌ها و اقدامات آگاهانه مدیران را از فعالیت‌های قانونی تا نقض متقلبانه اصول پذیرفته شده حسابداری، گسترده می‌داند.

با اینکه در اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ نظر بر این بود که بازارهای سرمایه کارا هستند ولی در سال‌های اخیر نشان داده شده است که مدیران با استفاده از پدیده‌ی مدیریت سود و روش‌های حسابداری و بسیاری از موارد تقلب شناخته شده، موفق به گمراه کردن بازار سرمایه شده‌اند. اما از طرفی، مدیرانی که پیش‌بینی می‌کنند که سهامداران به وسیله‌ی افزایش فعالیت‌های نظارتی، الگوهای تصمیم‌گیری آنان را کنترل خواهند کرد، با هدف متقاعد کردن سرمایه‌گذاران به این‌که اقداماتشان در جهت مطلوب است، دست به افشای داوطلبانه خواهند زد (واتسون^{۲۴}، ۲۰۰۲). از طرفی دیگر، مکانیزم افشای داوطلبانه می‌تواند دید سرمایه‌گذاران را به آینده‌ی شرکت و نیز انتظارات آنان نسبت به دریافت وجوه آتی از شرکت، گسترش دهد و نیز به‌عنوان یک وسیله‌ی نظارتی، موجبات آگاهی ذینفعان شرکت از فعالیت‌های مدیریت باشد که نتیجه‌ی همه‌ی این‌ها کاهش شکاف اطلاعاتی بین شرکت و بازار و بنابراین عدم گمراهی بازار در برابر رفتارهای فرصت‌طلبانه‌ی مدیران خواهد بود.

افشای داوطلبانه بیشتر، سرمایه‌گذاران را قادر خواهد کرد تا قضاوت بهتری در مورد شرکت داشته باشند و سوءاستفاده‌های بالقوه از منابع، به‌وسیله‌ی مدیران شرکت‌ها را بهتر شناسایی کنند. دیگان^{۲۵} و آنرمن^{۲۶} (۲۰۰۶: ۱۲۲) بیان کردند که: «مدیران (نمایندگان) انگیزه‌هایی برای فراهم کردن اطلاعات برای نشان دادن این قضیه دارند که آن‌ها به روشی عمل نمی‌کنند که باعث زیان سهامداران (مالکان) شود.» در نتیجه، به دلیل کاهش ریسک سوءاستفاده از منابع شرکت به‌وسیله مدیران، افشای داوطلبانه می‌تواند مشکل نمایندگی را تا حد زیادی حل کند و باعث کاهش مدیریت سود شرکت‌ها شود.

به طور کلی مدیریت سود از دو طریق امکان پذیر است: مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری و مدیریت سود مبتنی بر رویدادهای واقعی. در حالت اول، مدیریت از طریق ارقام تعهدی اختیاری به آرایش ارقام حسابداری مطابق با اهداف مطلوب خود می پردازد. اما در حالت دوم، مدیریت با اتخاذ برخی تصمیمات عملیاتی و به عبارت دیگر دستکاری فعالیت‌های واقعی به مدیریت واقعی سود روی آورده، به سود مورد نظر خویش دست می یابد (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۹).

کازنیک^{۲۷} (۱۹۹۹) به بررسی رابطه بین افشای داوطلبانه پیش‌بینی سود و مدیریت سود پرداخت. نتایج حاصل از بررسی ۴۹۹ سال- شرکت در بازه زمانی ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۱ نشان داد زمانی که سود شرکت از سود پیش‌بینی شده کمتر شود، مدیران از ارقام تعهدی برای مدیریت سود رو به بالا استفاده می‌کنند. دیگر نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که افزایش در مدیریت سود رابطه مثبت معناداری با احتمال دعوی حقوقی مرتبط با اشتباهات در پیش‌بینی سود توسط مدیریت دارد.

مطالعه چیمپن (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که شرکت‌ها در سه ماهه پایان سال، از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی نظیر کاهش قیمت به منظور تسریع موقتی فروش اقدام به برآورده کردن اهداف سود می‌کنند. همچنین، شرکت‌ها در موقعیت‌های رقابتی نسبت به انگیزه‌های مدیریت سود، عکس العمل بیشتری نشان می‌دهند.

گارسیا و همکاران (۲۰۱۲) با استفاده از داده‌های شرکت‌های آمریکایی به بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود مبتنی بر رویدادهای واقعی پرداختند. نتایج نشان داد که محافظه‌کاری بیشتر باعث کاهش مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و افزایش مدیریت سود مبتنی بر رویدادهای واقعی می‌شود.

با توجه به مطالب ذکر شده و ملاحظه می‌شود که پژوهش‌های تجربی بسیار اندکی در زمینه بررسی رابطه بین سطح افشای داوطلبانه و مدیریت سود در خارج از کشور انجام شده است و این در حالی است که در داخل کشور با توجه به جستجوهای انجام شده، تاکنون پژوهشی که بیانگر رابطه بین سطح افشای داوطلبانه و مدیریت سود باشد در ادبیات حسابداری مشاهده نگردیده است؛ در نتیجه، در این قسمت فقط مواردی از پژوهش‌های داخلی ذکر می‌شود که تا حدودی مرتبط با موضوع این پژوهش هستند.

نوروش و حسینی (۱۳۸۸) رابطه بین کیفیت افشای شرکتی (شامل قابلیت اتکاء و به موقع بودن) و مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند. ۵۱ شرکت برای سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۱ مورد بررسی قرار گرفت و یافته‌ها نشان داد که بین کیفیت افشای شرکتی و مدیریت سود رابطه

منفی معنی دار وجود دارد. همچنین بین به موقع بودن افشای شرکتی و مدیریت سود، رابطه منفی معنی داری مشاهده شد.

خدمای پور و محرومی (۱۳۹۱) تأثیر افشای داوطلبانه را بر مربوط بودن سود هر سهم بررسی کردند. جامعه مورد بررسی شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره زمانی تحقیق از ابتدای سال ۱۳۸۶ تا پایان سال ۱۳۸۹ بود. نتایج پژوهش نشان داد که افشای داوطلبانه اثر معناداری بر مربوط بودن سود هر سهم ندارد.

سعیدی و همکاران (۱۳۹۲) رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را طی یک دوره ۹ ساله بر روی ۱۲۳ شرکت بررسی کردند. نتایج حاکی از وجود رابطه معکوس و معناداری بین معیارهای مدیریت سود واقعی با عملکرد آتی شرکت‌ها بود.

انصاری و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، مدیریت واقعی سود و سطح کلی مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از بررسی ۱۳۵ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ نشان داد که بین محافظه‌کاری و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی رابطه منفی معنادار و بین محافظه‌کاری و مدیریت واقعی سود رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین بین محافظه‌کاری و سطح کلی مدیریت سود رابطه منفی معناداری مشاهده شد.

پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا رابطه بین سطح افشای داوطلبانه با مدیریت سود مبتنی بر رویدادهای واقعی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی را در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مورد بررسی قرار دهد. در ادامه فرضیه‌های پژوهش ارائه شده است.

به منظور بررسی رابطه بین سطح افشای داوطلبانه و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فرضیه‌های زیر، طراحی و مورد آزمون قرار می‌گیرد.

فرضیه اول: انتظار می‌رود با افزایش در سطح افشای داوطلبانه، مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی کاهش یابد.

فرضیه دوم: انتظار می‌رود با افزایش در سطح افشای داوطلبانه، مدیریت سود مبتنی بر رویدادهای واقعی، کاهش یابد.

۳- روش تحقیق

این پژوهش کاربردی است. طرح پژوهش آن از نوع شبه تجربی و با استفاده از رویکرد پس‌رویدادی (از طریق اطلاعات گذشته) است. از روش پس‌رویدادی زمانی استفاده می‌شود که پژوهشگر پس از وقوع رویدادها به بررسی موضوع می‌پردازد. افزون بر این، امکان دستکاری متغیرهای مستقل وجود ندارد (نمازی، ۱۳۸۹: ۳۵). در این پژوهش برای نگارش و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز بخش مبانی نظری به گونه عمده از مجلات تخصصی داخلی و خارجی، و برای گردآوری سایر داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از صورت‌های مالی و غیرمالی منتشر شده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، گزارش‌های منتشر شده در سایت بورس اوراق بهادار و نرم‌افزار تدبیر پرداز ۲ استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش حاضر از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده است. لازم به ذکر است که متغیرهای این پژوهش با نرم‌افزار Excel نسخه ۲۰۰۷ محاسبه و سپس تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌های پژوهش، به همراه نتایج آن با توجه به خروجی‌های دست آمده از نرم‌افزار Eviews نسخه ۷، انجام شده است.

دوره‌ی مورد مطالعه از سال ۱۳۸۳ تا پایان ۱۳۹۰ و جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش از نمونه‌گیری آماری استفاده نمی‌شود؛ اما شرایط زیر برای انتخاب نمونه قرار داده شده است:

۱. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.
۲. صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه شرکت‌ها در بازه زمانی مذکور به گونه کامل در سایت بورس اوراق بهادار موجود باشد.
۳. صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه شرکت اصلی در بازه زمانی مورد بررسی، به گونه مجزا از صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه شرکت تلفیقی موجود باشد.
۴. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ و بانک‌ها نباشند.
۵. معاملات سهام آن‌ها طی دوره پژوهش بیش از سه ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشد.

بر اساس معیارهای بالا، نمونه آماری پژوهش ۱۲۱ شرکت را در بر می‌گیرد.

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن

متغیرهای این پژوهش به منظور آزمون فرضیه‌ها، به سه گروه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی تقسیم می‌شوند که در ادامه کلیه این متغیرها تشریح می‌شود.

متغیرهای وابسته

در تحقیق حاضر متغیرهای وابسته مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت واقعی سود می‌باشد. نگاره ۱، متغیرهای وابسته تحقیق را همراه با توضیحات بیشتر ارائه می‌کند.

نگاره ۱: متغیرهای وابسته تحقیق

شماره	علامت اختصاری
ارقام تعهدی عملیاتی شرکت t در سال t	$ACCR_{it}$
سود عملیاتی شرکت t در سال t	OP_{it}
خالص وجوه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی شرکت t در سال t	CFO_{it}
جمع کل دارایی های شرکت t در ابتدای سال t	$Assets_{i,t-1}$
تغییر در درآمد شرکت t از سال $t-1$ تا سال t $(REV_t - REV_{t-1})$	ΔREV_{it}
تغییر در خالص حسابهای دریافتی شرکت t از سال $t-1$ تا سال t $(REC_t - REC_{t-1})$	ΔREC_{it}
تغییر در موجودی مواد و کالای شرکت t از سال $t-1$ تا سال t $(INV_t - INV_{t-1})$	ΔINV_{it}
ارزش ناخالص دارایی های ثابت مشهود شرکت t در سال t	PPE_{it}
تغییر در وجوه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی شرکت t از سال $t-1$ تا سال t $(CFO_t - CFO_{t-1})$	ΔCFO_{it}
خالص درآمد فروش شرکت t در سال t	$Sales_{it}$
تغییر در خالص درآمد فروش شرکت t از سال $t-1$ تا سال t $(Sales_t - Sales_{t-1})$	$\Delta Sales_{it}$
بهای تمام شده کالای فروش رفته شرکت t در سال t	$COGS_{it}$
تغییر در خالص درآمد فروش شرکت t از سال $t-2$ تا سال $t-1$ $(Sales_{t-1} - Sales_{t-2})$	$\Delta Sales_{i,t-1}$
هزینه های تولید شرکت t در سال t (مجموع بهای تمام شده کالای فروش رفته و تغییر در موجودی مواد و کالا)	$Prod_{it}$
مخارج اختیاری شرکت t در سال t (مجموع هزینه های اداری، عمومی و فروش و هزینه های تحقیق و توسعه)	$DiscExp_{it}$

مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی

در این پژوهش از ارقام تعهدی اختیاری به عنوان شاخص مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی استفاده می‌شود. به منظور محاسبه ارقام تعهدی اختیاری به عنوان معیار مدیریت سود مبتنی بر

اقدام تعهدی، ابتدا اقدام تعهدی عملیاتی به صورت زیر، اندازه گیری می شود (بهارمقدم و کوهی، ۱۳۸۹):

$$ACCR_{i,t} = OP_{i,t} - CFO_{i,t} \quad (1)$$

برای جداسازی بخش اقدام تعهدی اختیاری از اقدام تعهدی عملیاتی لازم است ابتدا اقدام تعهدی غیراختیاری، محاسبه شود. در تحقیقات پیشین، از مدل های مختلفی مانند مدل جونز (۱۹۹۱)، مدل تعدیل شده جونز^{۲۸} (۱۹۹۵) و مدل کازنیک (۱۹۹۹) استفاده شده است. اما در این تحقیق برای محاسبه اقدام تعهدی غیراختیاری، مدل کازنیک که توسط بهارمقدم و کوهی (۱۳۸۹) با توجه به محیط اقتصادی ایران، تعدیل شده، مورد استفاده قرار می گیرد. این مدل به شرح زیر می باشد:

$$\frac{ACCR_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left[\frac{\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t} - \Delta INV_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} \right] + \alpha_2 \left[\frac{PPE_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} \right] + \alpha_3 \left[\frac{\Delta CFO_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

لازم به ذکر است که در این مدل، اقدام تعهدی غیراختیاری (NDAC) ارزش های تثبیت شده است و اقدام تعهدی اختیاری (DAC) به صورت باقیمانده ها تعریف می شود. به علاوه، برای استاندارد کردن و همگن شدن عوامل به منظور کاهش نوسانات، از جمع کل دارایی های شرکت در ابتدای هر دوره استفاده می گردد.

مدیریت واقعی سود

برای به دست آوردن مدیریت واقعی سود، روش رویچودهری^{۲۹} (۲۰۰۶) به کار گرفته می شود. مشابه تحقیق وی، در مطالعه حاضر نیز به منظور بررسی سطح دستکاری فعالیت های واقعی، سه معیار در نظر گرفته شده و مورد برآورد قرار می گیرد: (۱) سطح غیرعادی جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی، (۲) سطح غیرعادی هزینه های اختیاری و (۳) سطح غیرعادی هزینه های تولید. تحقیقات صورت گرفته بعد از رویچودهری، از قبیل زانگ^{۳۰} (۲۰۰۷) و گانی^{۳۱} (۲۰۰۵)، نیز شواهدی در حمایت از اعتبار این معیارها ارائه می کنند.

در این پژوهش، ابتدا سطوح عادی جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی، هزینه های اختیاری و هزینه های تولید با استفاده از مدل توسعه یافته دچو و همکاران^{۳۲} (۱۹۹۵)، مشابه آنچه در تحقیق رویچودهری (۲۰۰۶) انجام شده، محاسبه می شود. سپس، جریان وجوه

نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی به عنوان تابعی خطی از فروش و تغییرات آن تعریف می‌شود. برای برآورد این مدل، رگرسیون مقطعی زیر برای هر سال - شرکت به کار گرفته می‌شود:

$$\frac{CFO_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} = k_0 + k_{1t} \left[\frac{1}{Assets_{i,t-1}} \right] + k_2 \left[\frac{Sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} \right] + k_3 \left[\frac{\Delta Sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t} \quad (3)$$

جریان غیرعادی وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی برابر است با جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی منهای سطح عادی جریان وجوه نقد عملیاتی که با استفاده از ضرایب برآورد شده مدل (۳) محاسبه می‌شود. هزینه‌های تولید به عنوان مجموع بهای تمام شده کالای فروش رفته و تغییر در موجودی مواد و کالا طی سال، تعریف شده است. در این پژوهش، بهای تمام شده کالای فروش رفته، تابعی خطی از فروش همان دوره در نظر گرفته می‌شود.

$$\frac{COGS_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} = k_0 + k_{1t} \left[\frac{1}{Assets_{i,t-1}} \right] + k_2 \left[\frac{Sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t} \quad (4)$$

در این پژوهش، رشد موجودی مواد و کالا به عنوان یک تابع خطی از تغییرات هم‌زمان و همچنین تغییرات با تأخیر فروش در نظر گرفته می‌شود:

$$\frac{\Delta INV_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} = k_0 + k_{1t} \left[\frac{1}{Assets_{i,t-1}} \right] + k_2 \left[\frac{\Delta Sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} \right] + k_3 \left[\frac{\Delta Sales_{i,t-1}}{Assets_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t} \quad (5)$$

با استفاده از مدل‌های (۴) و (۵)، سطح عادی هزینه‌های تولید به شرح زیر برآورد می‌گردد:

$$\frac{Prod_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} = k_0 + k_{1t} \left[\frac{1}{Assets_{i,t-1}} \right] + k_2 \left[\frac{Sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} \right] + k_3 \left[\frac{\Delta Sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} \right] + k_4 \left[\frac{\Delta Sales_{i,t-1}}{Assets_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t} \quad (6)$$

سطح عادی هزینه‌های اختیاری نیز می‌تواند به صورت یک تابع خطی از فروش مطرح

شود:

$$\frac{\text{DiscExp}_{it}}{\text{Assets}_{i,t-1}} = k_0 + k_1 \left[\frac{1}{\text{Assets}_{i,t-1}} \right] + k_2 \left[\frac{\text{Sales}_{i,t}}{\text{Assets}_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t} \quad (7)$$

کوهن^{۳۳} و زاروین^{۳۴} (۲۰۰۸)، معتقدند مدل‌سازی هزینه‌های اختیاری به عنوان تابعی از فروش دوره جاری، می‌تواند مشکلی را ایجاد کند مبنی بر این که شرکت‌هایی که فروش خود را برای افزایش سود گزارش شده در یک سال معین بالا می‌برند، منجر به باقیمانده‌های بسیار کمتری از رگرسیون مدل (۷) می‌شوند. برای رفع این مشکل، تحقیق حاضر نیز مطابق با تحقیق کوهن و زاروین (۲۰۰۸)، هزینه‌های اختیاری را به عنوان تابعی از فروش‌های با تأخیر، مدل‌سازی می‌کند و مدل زیر را به منظور استخراج سطوح عادی هزینه‌های اختیاری مورد برآورد قرار می‌دهد:

$$\frac{\text{DiscExp}_{it}}{\text{Assets}_{i,t-1}} = k_0 + k_1 \left[\frac{1}{\text{Assets}_{i,t-1}} \right] + k_2 \left[\frac{\text{Sales}_{i,t-1}}{\text{Assets}_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_{i,t} \quad (8)$$

جریان غیرعادی وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی (R-CFO)، هزینه‌های غیرعادی تولید (R-PROD) و هزینه‌های غیرعادی اختیاری (R-DISX) از اختلاف بین مقادیر واقعی و سطوح عادی پیش‌بینی شده از مدل‌های (۳)، (۶) و (۸) به دست می‌آیند. در این پژوهش از این سه متغیر به عنوان شاخص‌هایی برای مدیریت واقعی سود استفاده می‌شود. کوهن و زاروین (۲۰۰۸) در توضیح این مطلب این‌گونه بیان می‌دارند که در یک سطح فروش معین، شرکت‌هایی که سود خود را رو به بالا مدیریت می‌کنند، احتمالاً برخی یا همه این موارد، یعنی جریان غیرعادی وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی و یا هزینه‌های غیرعادی اختیاری و یا هزینه‌های غیرعادی تولید را دارا می‌باشند.

متغیر مستقل

متغیر مستقل این پژوهش، سطح افشای داوطلبانه شرکت‌ها است. سطح افشای داوطلبانه بر اساس شاخص‌های پیشنهادی توسط بوتوسان^{۳۵} (۱۹۹۷) که برگرفته از نظرات کمیته جنکینز بود، اندازه‌گیری می‌شود. در مدل بوتوسان، شاخص‌های مورد استفاده از طریق گزارشات راهبری شرکتی و نیز ارقام رتبه‌بندی شرکت‌های آمریکایی استخراج شده بود. به دلیل فقدان موارد مذکور در ایران، و با توجه به این که سازمان حسابرسی کتابچه‌ای تحت عنوان فرمت

نمونه گزارشگری منتشر نموده و شرکت‌ها در تهیه و گزارش اطلاعات به شاخص‌های مندرج در آن تکیه می‌کنند، این امر امکان افشای اطلاعات داوطلبانه در متن صورت‌های مالی را محدود نموده است. لذا برای استخراج شاخص‌های افشای داوطلبانه اطلاعات به گزارش فعالیت هیات مدیره شرکت‌ها اتکا گردید (کاشانی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۹). نهایتاً، برای اندازه‌گیری سطح افشای داوطلبانه، پرسشنامه‌ی تعدیل شده‌ی بوتوسان که توسط کاشانی‌پور و همکاران (۱۳۸۸) تنظیم شده بود، مورد استفاده قرار گرفت. شاخص‌ها پس از بررسی از نظر الزامی نبودن مطابق استانداردهای حسابداری یا قانونی در شش بخش کلی پیشینه اطلاعاتی، خلاصه‌ای از نتایج تاریخی مهم، آماره‌های کلیدی غیرمالی، اطلاعات بخش‌ها، اطلاعات پیش‌بینی، بحث و تحلیل مدیریت (شامل ۷۱ شاخص) تعیین گردیدند. امتیاز افشای داوطلبانه از تقسیم مجموع امتیاز حاصله از ۶ بخش بر کل امتیاز قابل دریافت یعنی ۱۳۴ به دست می‌آید.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت: از بعد نظری، برخی از پژوهشگران (کارلسون^{۳۶} و باتالالا^{۳۷}، ۱۹۹۷)، استدلال کرده‌اند که شرکت‌های بزرگ‌تر انگیزه بیشتری برای هموارسازی سود دارند، زیرا نیاز آن‌ها به گزارش سودهای هموار بیشتر است. در واقع منشأ این نیاز آن است که شرکت‌های بزرگ‌تر معرض پاسخ‌گویی بیشتری به طیف وسیعی از ذینفعان قرار دارند. از طرفی شرکت‌های بزرگ‌تر ممکن است تمایل کمتری به هموارسازی سود داشته باشند، زیرا این شرکت‌ها در معرض رسیدگی‌های دقیق‌تری قرار دارند و تجزیه و تحلیل‌های بیشتری که بازار در مورد این شرکت‌ها انجام می‌دهد، منجر به این نتیجه می‌شود که شرکت‌های بزرگ‌تر از نظر هموارسازی سود کمتر موفق به تاثیرگذاری بر رفتار بازار شوند و این بدان معنی است که محتوای اطلاعاتی سودهای هموار برای آن‌ها کمتر است (آلبرج^{۳۸} و ریچاردسون^{۳۹}، ۱۹۹۰).

بازده سهام: بازده سهام نیز می‌تواند به عنوان مؤلفه‌ای برای تعیین جهت و شدت مدیریت سود عمل کند، به این صورت که ممکن است مدیریت از بازده سهام فعلی شرکت به عنوان مبنای نحوه عمل خود در آینده شرکت استفاده کند و سود را افزایش یا کاهش دهد و یا این تغییر را به میزانی انجام دهد تا به بازده مورد انتظار خود برسد. (ملانظری و کریمی، ۱۳۸۶).
نسبت بدهی: پژوهشگرانی از جمله سوینی^{۴۰} (۱۹۹۴) به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش اهرم یا بدهی‌ها توان شرکت‌ها را برای مدیریت سود افزایش می‌دهد، زیرا مدیران شرکت‌ها انگیزه بیشتری دارند تا از طریق مدیریت سود، اعتباردهندگان را راضی نگه دارند.

۴- یافته‌های تحقیق

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آماره‌های توصیفی داده‌های خام و همگن شده‌ی مورد مطالعه، محاسبه شده و در نگاره‌های ۲ و ۳ ارائه شده است.
نگاره ۲: آماره‌های توصیفی داده‌های خام

نام متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
اقدام تعهدی عملیاتی	۶۷۹۱۷/۰۷	۷۷۵۸	۸۲۰۲۰۰۱	-۳۶۱۰۸۴۶	۵۹۶۶۵۴/۸۸۴
سود عملیاتی	۲۹۸۷۲۱/۹۰۳۱	۵۷۳۸۹	۱۲۹۶۴۵۳۰	-۱۴۴۲۴۹۰	۱۱۰۲۱۲۲/۴۵۸
خالص وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی	۲۳۱۶۳۸/۰۴۴	۳۶۰۲۱	۱۰۸۵۰۲۳۳	-۳۲۶۷۹۶۵	۱۰۰۶۸۷۲/۲۱۸
جمع کل دارایی‌ها	۲۲۵۴۱۰۹/۱۹۲	۴۸۲۵۴۶	۱۰۱۷۰۸۸۹۳	۱۷۹۸۶	۸۰۶۶۷۵۷
تغییر در درآمد	۲۵۷۸۳۲/۷۴۴۸	۳۶۱۴۰	۱۹۵۹۱۶۵۱	-۳۶۷۳۸۵۲	۱۴۳۱۵۳۹/۴۴۳
تغییر در خالص حسابهای دریافتی	۸۲۶۶۴/۶۵۸۳	۸۷۹۳	۷۶۰۷۵۴۹	-۱۶۸۰۶۳۹	۵۰۴۵۳۲/۶۵۴۸
تغییر در موجودی مواد و کالا	۳۱۵۹۰/۲۶۳۹	۷۴۶۸	۲۰۵۶۹۳۱	-۲۴۹۹۱۵۴	۲۷۲۴۲۴/۴۵۷۹
ارزش ناخالص داراییهای ثابت مشهود	۴۰۵۵۷۲/۴۶۲۶	۹۱۸۱۰	۱۶۵۱۰۷۶۰	۷۹۰	۱۳۲۲۲۲۲/۶۴۳
تغییر در وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی	۲۵۵۴۵/۳۶۱۷	۲۳۰۸	۶۰۸۷۷۰۴	-۵۴۴۸۷۰۳	۵۶۹۴۲۷/۲۳۱۹
خالص درآمد فروش	۱۷۹۲۷۸۲/۲۶۹	۳۴۶۰۶۰	۱۰۷۴۲۰۹۶۱	۹۴۶۶	۷۶۳۱۷۰۰
تغییر در خالص درآمد فروش	۲۵۶۵۰۲/۰۸۷۲	۵۳۶۳۹۸	۱۹۵۹۱۶۵۱	-۳۶۷۳۸۵۲	۱۴۳۱۶۶۵/۶۰۶
بهای تمام شده کالای فروش رفته	۱۴۱۷۳۲۸/۳۰۱	۲۵۷۵۹۱	۹۱۵۶۷۹۵۶	۵۶۴۰	۶۴۳۵۰۰۰/۵۴۵
هزینه‌های تولید	۱۴۵۰۲۳۷/۸۵	۲۶۵۲۸۴	۹۲۸۸۲۷۰۰	-۶۵۵۱۴۱۱	۶۵۱۱۷۳۲/۶۶۳
مخارج اختیاری	۹۶۱۹۰/۸۰۶	۵۲۲۵۹۸	۵۹۵۵۰۰۰	-۱۷۴۰۶	۳۸۲۱۵۷/۷۱۹

نگاره ۳: آماره‌های توصیفی داده‌های همگن شده					
نام متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
اقلام تعهدی اختیاری	-۰.۷E۱/۰.۵۰	۰/۰۰۱۷	۱/۳۶	-۰/۷	۰/۰۹۲۳
سطح غیرعادی جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی	-۰.۷E۷/۳۵۲	۰/۰۰۰۱	۰/۳۵	-۰/۴۰	۰/۰۸۳۶
سطح غیرعادی هزینه‌های تولید	-۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۵۳	۳/۲۱۳۲	-۲/۶۶۸۷	۰/۹۹۰۲
سطح غیرعادی هزینه‌های اختیاری	-۰.۷E۱/۳۵۶	-۰/۰۰۰۴	۰/۲۹	-۰/۱۶	۰/۰۱۹۳
سطح افشای داوطلبانه	۰/۳۳۰۳	۰/۳۲۴۶	۰/۴۹۶۳	۰/۱۳۴۳	۰/۰۷۰۹
اندازه شرکت	۵/۵۸۹۲	۵/۵۳۲۹	۸/۰۳۱۱	۰/۰۰۱۲	۰/۷۱۰۹
بازده سهام	۳۲/۴۰۲۹	۰/۴۹۸۲	۳۱۳۵/۵۵	-۷۹/۴۷	۱۳۷/۰۷۹۸
نسبت بدهی	۰/۶۸۵۷	۰/۶۸۵۲	۲/۲۷۷۵	۰/۰۲۹۳	۰/۲۳۲۵

طبق اطلاعات نگاره ۳، بازده سهام دارای بالاترین میزان پراکندگی در بین متغیرهای پژوهش است. میانگین سطح افشای داوطلبانه نشان‌دهنده آن است که به طور میانگین، شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران در حدود ۳۳٪ از کل نمره‌های سطح افشای داوطلبانه را کسب می‌کنند که نشان از پایین بودن میانگین سطح افشای داوطلبانه در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. علاوه بر این، میزان میانگین نسبت بدهی نشان‌دهنده آن است که در حدود بیش از نیمی از دارایی‌های شرکت‌ها، از محل بدهی تأمین شده است. همچنین، میانه در مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، سطح غیرعادی جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی و سطح غیرعادی هزینه‌های تولید مثبت ولی در سطح غیرعادی هزینه‌های اختیاری منفی است. طبق نظر کوهن و زاروویین (۲۰۰۸)، این امر نشان می‌دهد که بیشتر شرکت‌ها از طریق مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، سطح غیرعادی هزینه‌های تولید و سطح غیرعادی هزینه‌های اختیاری به دنبال آن هستند تا سود خود را رو به بالا مدیریت کنند و از طریق سطح غیرعادی جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی به دنبال آن هستند تا سود خود را رو به پایین مدیریت کنند.

به منظور آزمون نرمال بودن متغیرهای وابسته و جمله خطا از آزمون Jarque-Bera در نرم‌افزار Eviews7 استفاده شده است. اگر احتمال آماره کمتر از ۵٪ باشد، فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن جمله خطا و متغیرهای وابسته رد می‌شود. احتمال آماره اقلام تعهدی اختیاری،

	۱	۰/۴۴۱ (۰/۰۰۰۵*)	-۰/۲۹۵ (۰/۰۰۰۵*)	۰/۱۸۱ (۰/۰۰۰۵*)	-۰/۲۳۴ (۰/۰۰۰۵*)	-۰/۳۶۷ (۰/۰۰۰۵*)	۰/۳۱۲ (۰/۰۰۰۵*)	Return
		(((n
	۱	-۰/۰۶۴ (۰/۲۰۰)	-۰/۰۸۳ (۰/۰۹۷)	۰/۱۵۹ (۰/۰۰۱*)	۰/۱۰۲ (۰/۰۴۰*)	۰/۳۲۳ (۰/۰۰۰۵*)	۰/۰۳۹ (۰/۴۳۸)	Lev

بر اساس آزمون‌های ریشه واحد تلفیقی، چنانچه معناداری آماره آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد، متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی پژوهش در طی دوره پژوهش در سطح پایا هستند. نتایج حاصل از بررسی پایایی متغیرهای پژوهش با استفاده از این آزمون‌ها در نگاره ۵ ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، کلیه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی با توجه به آزمون لوین، لین و چو در دوره پژوهش پایا هستند. این بدان معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه، شرکت‌های مورد بررسی تغییرات ساختاری نداشته و استفاده از این متغیرها در مدل باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود.

نگاره ۵: نتایج آزمون لوین، لین و چو

معناداری	آماره آزمون	متغیر
۰/۰۰۰۰	-۲۹/۲۶۲۶	مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی
۰/۰۰۰۰	-۳۰/۷۰۲۷	سطح غیرعادی جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی
۰/۰۰۰۰	-۲۷/۲۵۳۵	سطح غیرعادی هزینه‌های تولید
۰/۰۰۰۰	-۲۳/۷۷۴۹	سطح غیرعادی هزینه‌های اختیاری
۰/۰۰۰۰	-۸/۳۷۹۱	سطح افشای داوطلبانه
۰/۰۰۰۰	-۲۰/۶۸۹۹	اندازه شرکت
۰/۰۰۰۰	-۱۱۲/۷۵۵	بازده سهام
۰/۰۰۰۰	-۱۹/۹۹۳۸	نسبت بدهی

سپس به ترتیب، آزمون بروش پاگان، برای تعیین وجود اثر تصادفی در داده‌ها یا استفاده از روش داده‌های تلفیقی و آزمون هاسمن برای انتخاب از بین روش اثر ثابت و اثر تصادفی، اجرا شد. نتایج به دست آمده از این آزمون‌ها در نگاره ۶ ارائه شده است.

نگاره ۶: نتایج حاصل از آزمون انتخاب نوع مدل فرضیه‌های پژوهش

فرضیه	آزمون	بروش پاگان	هاسمن	نوع مدل برازش شده
۱	آماره آزمون	۲۳۴/۷۹۱۶	۱۰/۹۰۰۱	اثرات تصادفی
	معناداری	۰/۰۰۰۰	۰/۱۲۷۷	
۱-۲	آماره آزمون	۲۰۶/۰۸۷۶	۳/۱۸۳۱	اثرات تصادفی
	معناداری	۰/۰۰۰۰	۰/۵۲۷۷	
۲-۲	آماره آزمون	۳۲۷/۸۶۳۲	۱۱/۴۲۸۳	اثرات تصادفی
	معناداری	۰/۰۰۰۰	۰/۲۲۲۷	
۳-۲	آماره آزمون	۳۵۴/۱۲۶۸	۴/۵۸۳۱	اثرات تصادفی
	معناداری	۰/۰۰۰۰	۰/۳۳۲۸	

نگاره ۷ نیز، نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش را با استفاده از مدل رگرسیون داده‌های ترکیبی به روش برازش شده در نگاره ۴ نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌شود، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر معنادار بودن کلی مدل رگرسیون است. نتایج حاصل از بررسی خودهمبستگی جملات خطا با استفاده از آماره دوربین-واتسون نیز بیانگر نبود خطاهای خودهمبستگی مدل است.

نگاره ۷: نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم با استفاده از مدل رگرسیون داده‌های ترکیبی

متغیرهای وابسته	فرضیه ۱	فرضیه ۲		متغیرهای توضیحی
	اقدام تعهدی اختیاری	سطح غیرعادی جریان وجوه	سطح غیرعادی هزینه‌های تولید	سطح غیرعادی هزینه‌های اختیاری
ضرائب	ضرائب	ضرائب	ضرائب	ضرائب
آماره t	آماره t	آماره t	آماره t	آماره t
(سطح معناداری)	(سطح معناداری)	(سطح معناداری)	(سطح معناداری)	(سطح معناداری)
-۱/۱۶۶۳	-۲/۳۶۰۵	-۰/۲۴۵۸	-۲/۵۶۱۲	-۲/۱۶۵۷
(۰/۰۱۸۵)	(۰/۰۱۸۵)	(۰/۰۱۰۶)	(۰/۰۱۰۶)	(۰/۰۳۰۶)
۰/۱۲۹۵	۲/۲۶۸۴	-۰/۰۵۶۸	-۱/۰۶۳۱	۱/۹۴۲۱
(۰/۰۲۳۵)	(۰/۰۲۳۵)	(۰/۰۲۸۸۰)	(۰/۰۲۸۸۰)	(۰/۰۵۲۴)
۰/۰۰۰۵	۲/۱۹۳۵	۰/۰۰۰۳	۱/۶۶۴۰	-۰/۱۳۲۳
(۰/۰۲۸۵)	(۰/۰۲۸۵)	(۰/۰۹۶۵)	(۰/۰۹۶۵)	(۰/۰۸۹۴۸)

۴۰/ بررسی اثرات سطح افشای داوطلبانه بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی ...

نسبت	۰/۲۶۶۴	۱/۸۶۳۷	۰/۱۳۰۶	۰/۳۲۶۴	۰/۲۵۷۶	۰/۵۲۳۷	۰/۰۲۴۷	۰/۲۲۶۰
بدهی	(۰/۰۶۲۷)			(۰/۷۴۴۲)		(۰/۶۰۰۶)		(۰/۸۲۱۲)
مقدار	-۱/۳۱۹۸	-۴/۱۴۴۰	۰/۰۸۴۹۰	۰/۳۲۰	-۱/۰۷۵۱	-۳/۳۹۱۴	۰/۲۲۷۱	۰/۷۸۷۳
ثابت	(۰/۰۰۰۰)			(۰/۷۴۹۰)		(۰/۰۰۰۷)		(۰/۴۳۱۳)
R ^۲	۰/۰۲۸۶۸۹			۰/۰۰۶۳	۰/۰۱۸۱		۰/۰۰۰۳	
آماره F و	۶/۴۶۱۰۰۲	۰/۰۰۰۰۴۰	۱/۳۹۵۴	۰/۰۰۲۳۳۶	۴/۰۲۵۶	۰/۰۰۳۱	۸/۶۱۰۱	۰/۰۰۶۵۵۴
سطح								
معناداری								
آماره	۱/۸۹۰۷		۱/۸۳۶۶		۲/۰۱۵		۱/۹۲۴۷	
دوربین								
واتسون								

با توجه به نتایج حاصل از بررسی ضرایب متغیرها که در نگاره شماره ۷ ملاحظه می‌شود، مقدار معناداری آماره t (با اطمینان ۰/۹۵) مربوط به متغیر مستقل (سطح افشای داوطلبانه) بیانگر این است که بین سطح افشای داوطلبانه با مدیریت سود مبتنی بر رویدادهای واقعی و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی رابطه منفی معناداری وجود دارد. بنابراین، فرضیه‌های اصلی پژوهش پذیرفته می‌شوند. افزون بر این، سطح معناداری آماره t مربوط به متغیرهای کنترلی نیز، بیانگر این است که بین اندازه شرکت‌ها با اقلام تعهدی اختیاری (به‌عنوان معیار مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی) و سطح غیرعادی هزینه‌های تولید رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین، بین بازده سهام و اقلام تعهدی اختیاری (به‌عنوان معیار مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی) رابطه مثبت معناداری وجود دارد، اما بین نسبت بدهی و معیارهای مدیریت سود رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف اصلی از انجام این پژوهش بررسی اثرات افشای داوطلبانه بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود مبتنی بر رویدادهای واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است، که در قالب فرضیه‌های پژوهش مطرح شد. با توجه به اینکه در روابط نمایندگی، اطلاعات نقش اساسی ایفا می‌کنند؛ بنابراین، باید نقش اطلاعات مالی و سطح افشای داوطلبانه از جنبه‌های مختلف و اثرات آن بر مشکلات نمایندگی و در نتیجه مدیریت سود، به خوبی شناسایی و مورد توجه قرار گیرند.

نتایج حاصل از فرضیه اصلی اول نشان می‌دهد که رابطه منفی معناداری بین سطح افشای داوطلبانه و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی وجود دارد. به عبارت دیگر، مدیران شرکت‌هایی که مالکانشان در راستای اعمال مکانیزم‌های کنترلی در شرکت، آن‌ها را ملزم به

افشای اطلاعاتی فراتر از افشای اجباری می‌کنند، کمتر تصمیمات خودمحوارانه اتخاذ می‌کنند و افزایش سطح افشای داوطلبانه شرکت‌ها، منجر به کاهش دستکاری ارقام تعهدی اختیاری توسط مدیریت می‌شود و در نتیجه مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی شرکت، کاهش می‌یابد؛ و از این طریق اطلاعات گزارش شده در صورت‌های مالی شرکت‌ها از قابلیت اتکای بالاتری برخوردار خواهند بود و سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعلی که از این گزارشات مالی استفاده می‌کنند، بهتر می‌توانند جریان‌ات وجه نقد، سود و وضعیت مالی آتی شرکت را پیش‌بینی کنند و با آگاهی بیشتری دست به تصمیمات اقتصادی بزنند.

از طرفی، تسریع در زمان‌بندی فروش می‌تواند از طریق اعطای تخفیفات بیشتر یا شرایط اعتباری آسان‌تر، صورت گیرد. چنین تخفیفات و شرایط اعتباری آسانی به طور موقت، مقادیر فروش را افزایش می‌دهد، اما این راهکارها به احتمال زیاد، دوام چندانی نخواهد داشت و شرکت به قیمت‌های قبلی خود بر می‌گردد. (ژانگ^۴، ۲۰۰۸، کوهن و زارووین، ۲۰۰۹). از طرفی دیگر، مدیران می‌توانند تولید را به میزانی بیش از مقدار لازم برای برآورده‌سازی فروش و میزان عادی مورد نظر موجودی کالا افزایش داده و از این طریق منجر به کاهش بهای تمام شده کالای فروش رفته و افزایش سود شوند (کوهن و زارووین، ۲۰۰۹). با این حال، تولید بیش از حد باعث می‌شود که هزینه‌های نگهداری موجودی کالا بیشتر از کاهش در هزینه‌های تولید در آن دوره باشد و منجر به زیان‌دهی شرکت در بلندمدت می‌شود. بنابراین، مالکان می‌توانند از طریق تنظیم قراردادهایی، مدیران را به افشای اطلاعات داوطلبانه‌ای که مربوط به نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان است، ملزم کنند تا از این طریق از مدیریت سودی که باعث کاهش ارزش شرکت در بلندمدت می‌شود، جلوگیری کنند.

نتایج حاصل از فرضیه اصلی دوم حاکی از آن است که رابطه منفی معناداری بین سطح افشای داوطلبانه و مدیریت سود مبتنی بر رویدادهای واقعی شرکت وجود دارد. مدیریت سود مبتنی بر رویدادهای واقعی در این پژوهش از طریق سه معیار: (۱) سطح غیرعادی جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی، (۲) سطح غیرعادی هزینه‌های اختیاری و (۳) سطح غیرعادی هزینه‌های تولید؛ مورد برآورد قرار گرفت و رابطه منفی معنادار این متغیرها با سطح افشای داوطلبانه بیانگر این واقعیت است که میزان ارائه‌ی اطلاعات داوطلبانه، عامل تعیین‌کننده‌ای در کاهش تصمیمات مدیریت در انجام اعمالی مانند تسریع در زمان‌بندی فروش، دستکاری تولید و تغییر در اعمال زیربنایی شرکت در راستای مدیریت سود می‌شود.

نتایج این پژوهش نشان از اهمیت بسزای افشای داوطلبانه به عنوان یک مکانیزم کنترلی، در جهت منافع مالکان و تمامی ذینفعان شرکت دارد که هرکدام به نحوی از صورت‌های مالی و

گزارشگری شرکت‌ها در جهت اخذ تصمیمات اقتصادی استفاده می‌کنند. طبق نتایج این پژوهش، افشای داوطلبانه یکی از عوامل تأثیرگذار در به حداکثر رساندن منافع سرمایه‌گذاران در بلندمدت است و می‌تواند به عنوان عامل مؤثری در جهت کاهش مدیریت سود عمل کند. با توجه به وجود رابطه معکوس بین سطح افشای داوطلبانه و مدیریت سود (مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود مبتنی بر رویدادهای واقعی)، تاکید بر افشای داوطلبانه باعث افزایش شفافیت در گزارش‌های مالی شرکت‌ها شده و از این طریق به کاهش مدیریت سود شرکت‌ها کمک کند.

علاقه مندان می‌توانند این موضوع را با دیگر معیارهای سطح افشای داوطلبانه مانند معیار جنسن (۲۰۰۲) و در نمونه‌های تفکیک شده بر اساس نوع صنعت و در نمونه‌های تفکیک شده بر اساس اندازه شرکت‌های بورس به دو گروه کوچک و بزرگ مطالعه کنند.

* مطالعات پیشین حد مجاز درصد همبستگی بین متغیرهای توضیحی را ۸۰ درصد پیشنهاد کرده‌اند که در صورت همبستگی بیشتر از ۸۰ درصد، احتمال وجود مشکل هم‌خطی وجود دارد (آبوری، ۲۰۱۲: ۳۰۲).

یادداشت‌ها

- | | |
|--------------------|---------------------|
| 1- Hendriksen | 2- Van Breda |
| 3 - Wolk et al. | 4- Malone et al. |
| 5 - Raffournier | 6- Lang |
| 7 - Lundholm | 8- Madhani |
| 9 - Barth et al. | 10- Iatridis |
| 11 - Alexakis | 12- Gietzmann |
| 13 - Trombetta | 14- Gigler |
| 15 - Meek et al. | 16 - Scott |
| 17 - Jensen | 18 - Meckling |
| 19- Zimmerman | 20- Davidson et al. |
| 21- Healy | 22 - Wahlen |
| 23- Noronha et al. | 24- Watson |
| 25- Deegan | 26- Unerman |
| 27 - Kasznik | 28- Jones |
| 29 - Roychowdhury | 30- Zang |
| 31- Gunny | 32- Dechow et al. |
| 33- Cohen | 34- Zarowin |
| 35 - Botosan | 36- Carlson |

37- Bathala
39- Richardson
41- Zhang

38 - Albrecht
40 - Sweeney

کتابنامه

۱. انصاری، عبدالمهدی؛ دری سده، مصطفی و شیرزاد، علی (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر مدیریت سود مبتنی بر افلام تعهدی، مدیریت واقعی سود و سطح کلی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه حسابداری مدیریت، ۶(۱۹): ۶۱-۷۸.
۲. بهارمقدم، مهدی؛ و کوهی، علی (۱۳۸۹)، بررسی نوع مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، ۱(۲): ۹۳-۷۵.
۳. خدای پور، احمد؛ و محرومی، رامین (۱۳۹۱)، تأثیر افشای داوطلبانه بر مربوط بودن سود هر سهم، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۵(۱۴): ۱۲-۱.
۴. سعیدی، علی؛ حمیدیان، نرگس و ربیعی، حامد (۱۳۹۲)، رابطه بین فعالیت‌های مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه حسابداری مدیریت، ۶(۱۷): ۴۵-۵۸.
۵. عالی‌ور، عزیز (۱۳۶۵)، افشا در گزارشگری مالی، چاپ اول، تهران: مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه.
۶. کاشانی پور، محمد؛ رحمانی، علی و پارچینی پارچین، سید مهدی (۱۳۸۸)، رابطه بین افشای اختیاری و مدیران غیرموظف، فصلنامه‌ی بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۶(۵۷): ۸۵-۱۰۰.
۷. کاظم نژاد، مصطفی (۱۳۸۹)، شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت افشای اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۸. ملانظری، مهناز؛ و کریمی، ساناز (۱۳۸۶)، بررسی رابطه بین هموارسازی سود با اندازه شرکت و نوع صنعت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۴(۴۷): ۸۳-۱۰۰.
۹. ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۸۹)، مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری در مقابل مدیریت واقعی سود، فصلنامه حسابدار رسمی، ۱(۸): ۱۱۹-۱۱۴.

۱۰. نمازی، محمد (مترجم) (۱۳۸۹)، پژوهش‌های تجربی در حسابداری: دیدگاه روش-شناختی، چاپ دوم، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
۱۱. نوروش، ایرج؛ و حسینی، سیدعلی (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین کیفیت افشاء (قابلیت اتکاء و به‌موقع بودن) و مدیریت سود، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۶(۵۵): ۱۳۴-۱۱۷.

12. Albrecht, W. D. and Richardson, F. M. (1990). "Income smoothing by economy sector." *Journal of Business Finance and Accounting*, 17(5): 713-730.
13. Barth, M.; Landsman, W.; and M. Lang (2007). "International accounting standards and accounting quality." <http://ssrn.com>, Available online 15 April 2012.
14. Botosan, C. (1997). "Disclosure level and the cost of equity capital." *Accounting Review*, 72(3): 323-349.
15. Carlson, S. J. and Bathala, C. T. (1997). "Ownership differences and firms income smoothing behavior." *Journal of Business Finance and Accounting*, 24(2): 179-197.
16. Chapman, Craig J. (2011). "The Effects of Real Earnings Management on the Firm, Its Competitors and Subsequent Reporting Periods". working paper. Kellogg School of Management.
17. Cohen, D.; P. Zarowin (2008). "Economic consequences of real and accrual-based earnings management activities." *Working Paper*, New York University.
18. Cohen, D.; P. Zarowin (2009). "Earnings management and excess investment: Accrual-based versus real activities." *Working Paper*, New York University.
19. Davidson, S.; C.P. Stickney; R.L. Weil (1987). "Accounting: The language of business." 7th edition, *T. Horton Publisher*.
20. Dechow P., Sloan G., and Sweeney A. (1995). "Detecting earnings management." *The Accounting Review*, 70(2): 193-225.
21. Deegan, C. and J. Unerman (2006). *Financial Accounting Theory*. European Edition, McGraw-Hill, Maidenhead, Berkshire.
22. Garcia, J.M, and G. Beatriz and F. Penalva (2012). Accounting conservatism and the limits to earnings management. <http://ssrn.com/abstract>.
23. Gietzmann, M. and M. Trombetta (2003). "Disclosure interactions: accounting policy choice and voluntary disclosure effects on the cost of raising outside capital." *Accounting & Business Research*, 33(3): 187-205.
24. Gigler, F. (1994). "Self-enforcing voluntary disclosures." *Journal of Accounting Research*, 32(2): 224-41.
25. Gunny, K. (2005). "What are the consequences of real earnings management?" *Working Paper*, University of California, Berkeley.

26. Healy, P and Wahlen, J. (1999). "A review of the earnings management literature and its implications for standard setting." *Accounting Horizons*, 13(4): 365-384.
27. Hendriksen, E. S. and M. F. Van Breda (1992). *Accounting Theory*, 5th edition. United States of America: IRWIN. Inc.
28. Iatridis, G. and P. Alexakis (2012). "Evidence of voluntary accounting disclosures in the Athens Stock Market." *Review of Accounting and Finance*, 11(1): 73 - 92.
29. Jensen, M. A. (2002). "Disclosure Level and cost of capital: Evidences from Danish financial market". Master thesis, supervisor: Thomas Plenborg, Copenhagen Business School.
30. Jensen, M. C. and W. H. Meckling (1976). "Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs, and ownership structure". *Journal of Financial Economics*, 3(4): 305-360.
31. Jones J. (1991). "Earnings management during import relief investigations." *Journal of Accounting Research*, 29(2): 193-228.
32. Kasznik, R. (1999). "On the association between voluntary disclosure and earnings management." *Journal of Accounting Research*, 37(1): 57-81.
33. Lang, M. and R. Lundholm, (1996). "Corporate disclosure policy and analyst behavior". *The Accounting Review*, 71(4): 467-492.
34. Madhani, M. P. (2009). "Role of voluntary disclosure and transparency in financial reporting." http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1578792.
35. Malone, D.; Fries, C.; and T. Jones (1993). "An empirical investigation of the extent of corporate financial disclosure in the oil and gas industry." *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 8(3): 249-273.
36. Meek, G. K.; Roberts, C. B.; and S. J. Gray (1995). "Factors influencing voluntary annual reports disclosures by U.S., U.K and continental European multinationals corporations," *Journal of International Business Studies*, 26(3): 555-572.
37. Noronha, C.; Y. Zeng; G. Vinten (2008). "Earnings management in China: an exploratory study." *Managerial Auditing Journal*, 23(4): 367-385.
38. Raffournier, B. (1995). "The determinants of voluntary financial disclosure by swiss listed companies." *European Accounting Review*, 4(2): 261-280.
39. Roychowdhury, S. (2006). "Earnings management through real activities manipulation." *Journal of Accounting and Economics*, 42(3): 335-370.
40. Scott, W. R. (1997). *Financial Accounting Theory*, 3rd edition. United States of America: Prentice-Hall Inc.
41. Sweeney, A. (1994). "Debt covenant violation and managers accounting responses.." *Journal of Accounting And Economics*, 17(3): 281-308.

42. Watson, J. (2002). "Comparing the performance of male- and female-controlled businesses: Relating outputs to inputs." *Entrepreneurship Theory and Practice*, 26(3): 91-100.
43. Watts, R.; J.L. Zimmerman (1990). "Positive accounting theory: A ten year perspective." *The Accounting Review*, 65(1): 131-156.
44. Wolk, H. I.; Dodd, J. L.; and M. G. Tearney (2004). *Accounting Theory: Conceptual Issues in a Political and Economic Environment*, 6th edition, United States of America: Thomson.
45. Zang, A.Y. (2007). "Evidence on the tradeoff between real manipulation and accrual manipulation." Working Paper, University of Rochester.
46. Zhang, W. (2008). "Real activities manipulation to meet analysts. cash flow forecasts." *Presented at 2008 AAA Annual Meeting, University of Texas at Dallas*.